



نویسنده: گازان جاوید «Ghassan Jawad»

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2024-10-07».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

یک سال بعد: زلزله ژئوپلیتیک پشت سیل الاقصی

One year on: The geopolitical earthquake behind Al-Aqsa Flood

وقایع 7 اکتبر 2023 به بهترین وجه به عنوان یک عملیات حساب شده توسط مقاومت فلسطین برای عقب راندن دسیسه های ژئوپلیتیکی مخالفان منطقه ای و جهانی درک می شود - که در پس زمینه کاهش نفوذ ایالات متحده، ظهور چین، و اتحادهای در حال تکامل در سراسر غرب اتفاق می افتد. آسیا

The events of 7 October 2023 are best understood as a calculated operation by the Palestinian resistance to push back against the geopolitical machinations of both regional and global opponents – set against a backdrop of declining US influence, the rise of China, and evolving alliances across West Asia.



سیل الاقصی که یک سال پیش از امروز جهان را تکان داد، یک رویداد منفرد نبود. این نقطه اوج سال‌ها تغییرات ژئوپلیتیکی، تجدید سازماندهی قدرت جهانی و تنش‌های فزاینده در سراسر غرب آسیا بود.

این عملیات نه تنها یک حرکت جسورانه از سوی مقاومت فلسطین بود، بلکه پاسخی حساب شده به تغییرات لرزه‌ای در سیاست بین‌الملل بود که سال‌ها آشکار شده بود.

هسته اصلی این تغییرات خروج ایالات متحده در سال «2021» از افغانستان بود که نشان دهنده تضعیف نفوذ ایالات متحده بود. این عقب‌نشینی موجی از شوک را به متحدان و اشنگتن در خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی وارد کرد، که شروع به زیر سوال بردن قابلیت اطمینان حفاظت از ایالات متحده کرد.

موضع متضاد ایالات متحده در جنگ اوکراین تنها این نگرانی‌ها را عمیق‌تر کرد و کشورهای حاشیه خلیج فارس را به بررسی اتحادها و ترتیبات امنیتی جدید سوق داد. یکی از پیاپی‌های قابل توجه سفر **شی جین پینگ**، رئیس‌جمهور **چین** در سال (2022) از عربستان سعودی بود که منجر به «30» میلیارد دلار توافقات تجاری شد و بر نفوذ جدید پکن در منطقه تأکید کرد.

این حضور رو به رشد **چین** و پویایی‌های منطقه‌ای در حال تغییر، راه را برای توافق مهم عادی سازی در ماه مارس (2023) بین ایران و عربستان سعودی که در **پکن** میانجی‌گری شد، هموار کرد. در حالی که این توافق برخی تنش‌های منطقه‌ای را کاهش داد، درگیری‌های طولانی مدت را به طور کامل حل نکرد.

در عوض، منعکس کننده تلاش‌های غرب آسیا برای انطباق با تغییر موازنه قدرت و آماده شدن برای اتحادهای جدید بالقوه است که می‌تواند از رقابت‌های عمیق فراتر رود. قدرت‌های منطقه‌ای خود را برای مقابله با نظم بین‌المللی در حال تحول قرار می‌دادند، نظمی که با افزایش چندقطبی مشخص می‌شد - که خود مسلماً توسط تهاجم غیرقانونی ایالات متحده به عراق در دو دهه پیش آغاز شد.

جنگ در اوکراین و اصلاحات جهانی

جنگ در اوکراین که در فوریه (2022) آغاز شد، موجی از شوک را فراتر از شرق اروپا وارد کرد. این درگیری منجر به بحران‌های اقتصادی، تشدید درگیری‌ها و حتی تحریک کودتاها می‌شود. در آفریقا، مرتب‌سازی ژئوپلیتیکی که به دنبال داشت، هم‌سوئی قابل توجهی بین شرق و غرب ایجاد کرد، با ایالات متحده و متحدان

آتلانتیست گرای آن در یک طرف و قدرت‌های اوراسیا، روسیه، با حمایت چین، از سوی دیگر جنگ‌های نیابتی به زودی در نقاط حساس استراتژیک در سراسر جهان ظاهر شد.

برای روسیه، جنگ به عنوان یک دفاع ضروری از امنیت ملی آن، واکنشی به تجاوز غرب در حوزه نفوذ آن تلقی می‌شد. کرملین مناقشه اوکراین را نه صرفاً به عنوان یک مبارزه ارضی، بلکه به عنوان یک نبرد گسترده تر بر سر کنترل منابع، مسیرهای تجاری و حوزه‌های نفوذ در دنیایی که سلطه غرب در علم، فناوری و صنعت شروع به زوال کرده بود، تلقی کرد. این جنگ، از نظر مسکو، بخشی از یک رقابت بزرگتر برای ترسیم مجدد مرزهای قدرت جهانی بود.

ظهور چین و هند وزن صنعتی، اقتصادی و جمعیتی جهان را به سمت شرق تغییر داده است. این امر با تلاش روسیه برای بازپس‌گیری نقش جهانی خود از اروپا تا آسیای مرکزی، مبارزه برای نفوذ را تشدید کرده است. در همین حال، «نظم مبتنی بر قوانین» بین‌المللی به رهبری ایالات متحده تحت فشار است زیرا چین به دنبال ایجاد تسلط اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود است.

احیای آرمان فلسطین

تصمیم نیروهای مقاومت فلسطین برای راه اندازی سیل الاقصی در {7 اکتبر 2023} جدا از این جریان‌های جهانی گرفته نشده است.

حماس و دیگر جناح‌های فلسطینی این لحظه استراتژیک را به رسمیت شناختند: ایالات متحده بر اساس استراتژی امنیت ملی خود مشغول رویارویی خود با چین و روسیه بود، در حالی که واشنگتن به دنبال مهار ایران بود.

یک ارزیابی محرمانه توسط حماس در غزه که پس از شروع درگیری اوکراین نوشته شده است، به تغییر جهانی در اولویت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، از جمله شکاف‌ها در خود اسرائیل اشاره می‌کند:

امکان تغییر موضع و شکستن چرخه فرار و تشدید محاصره فلسطینیان در غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس توسط یک دولت راست افراطی که در برنامه خود و ایده‌های رئیس‌جمهور و وزیرانش بر اساس ایده افزایش وزیر شهرک‌های جایگزین و تلاش برای پایان دادن به موضوع فلسطین به منظور حذف عناوین حیاتی آن مانند مسئله پناهندگان، دولت، استقلال، بیت‌المقدس به عنوان پایتخت و سرزمین به عنوان شاهدهی بر حق فلسطین.

این ارزیابی به این نتیجه رسید که جو جهانی، در کنار درگیری‌های سیاسی داخلی اسرائیل، فرصتی نادر برای یک حمله قاطع فراهم کرده است. دولت راست افراطی

اسرائیل، به رهبری بنیامین نتانیا هو و شرکای افراطی او، آشکارا سیاست هایی را با هدف تعمیق اشغال، گسترش شهرک ها و به حاشیه راندن حقوق فلسطینی ها دنبال کرده بود. با اختلافات داخلی تل آویو و حواس پرتی غرب در اوکراین، زمان برای یک حرکت جسورانه برای به چالش کشیدن این تهدیدها فرا رسیده است.

از نظر منطقه ای، ایالات متحده برای پیشبرد توافقنامه آبراهام با چشم به میانجیگری برای یک توافق عادی سازی بین اسرائیل و عربستان سعودی تلاش می کرد. این تلاش برای تشکیل یک بلوک عربی-اسرائیلی که می تواند به حفظ منافع ایالات متحده در غرب آسیا، به ویژه امنیت اسرائیل کمک کند، حیاتی تلقی می شد.

اما فلسطینی ها این تلاش های عادی سازی را خطری جدی برای آرمان های ملی خود می دانستند. آنها می ترسیدند که دخالت عربستان سعودی بدون کسب امتیازات قابل توجه برای آرمان فلسطین، به اسرائیل چراغ سبز نشان دهد تا با "راه حل نهایی" خود - افزایش شهرک سازی های غیرقانونی یهودیان، تشدید محاصره غزه، و از بین بردن هر گونه فرصتی برای تشکیل کشور فلسطین در حالی که اورشلیم را یهودی سازی کند، پیش ببرد.

مقاومت معتقد بود که اگر عربستان به مسیر عادی سازی ادامه دهد، سایر کشورهای عرب و اکثریت مسلمان ممکن است دنبال روی کنند و آرمان فلسطین را بیشتر منزوی کنند. مقاومت در مواجهه با یک واقعیت ژئوپلیتیک بالقوه که در آن همبستگی عربی و اسلامی با فلسطین از بین می رود، عملیات سیل الاقصی را آخرین تلاش برای تغییر مسیر می دانست.

بعد از سیل

واکنش اسرائیل به سیل الاقصی چندان مناسب نبوده است. آنچه به عنوان واکنش به عملیات مقاومت فلسطین آغاز شد، به سرعت به یک کارزار پاکسازی قومی تشبیه شد که به نسل کشی و جنگ منطقه ای گسترده تر، با تجاوزات ویرانگر علیه غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه و یمن تشبیه شد.

با این حال، به نظر می رسد که تجاوزات نظامی وحشیانه اسرائیل بیشتر از اهداف فوری تل آویو خدمت می کند. این در چارچوب استراتژی گسترده تر ایالات متحده برای تأمین منافع منطقه ای خود و در عین حال مقابله با نفوذ فزاینده قدرت هایی مانند چین، روسیه و ایران است.

هدف اسرائیل از نابودی مقاومت فلسطین و جا بجایی جمعیت غزه با جاه طلبی های ژئوپلیتیکی بزرگتر و اشنگتن در هم آمیخته است که پس از ترور اسرائیل علیه رهبران مقاومت لبنان در سپتامبر آشکار شد: تغییر شکل غرب آسیا.

این طرحی بود که تل آویو خیلی قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، زمانی که بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل در تریبون مجمع عمومی سازمان ملل ایستاد و نقشه ای از «خاور میانه جدید» را که پیش بینی می کرد، در دست گرفت - نقشه ای که می توانست پس از عربستان پرتاب شود، به اجرا گذاشته بود. - عادی سازی اسرائیل توسط واشنگتن برای او تضمین شده بود.

ایالات متحده از طریق نمایندگی خود در تل آویو به دنبال حفظ کنترل بر منابع، مسیرهای تجاری و اتحادیه های منطقه به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده تر برای مقابله با نفوذ چین و روسیه است. این درگیری بخشی از یک رقابت بزرگتر بر سر تسلط جهانی است که از اوکراین تا دریای سرخ را در بر می گیرد.

واکنش جهانی به رنج غزه یک تناقض آشکار را برجسته می کند. همانطور که ایالات متحده و متحدانش ادعا می کنند از ارزش های لیبرال، حقوق بشر و دموکراسی دفاع می کنند، اقدامات آنها اغلب داستان متفاوئی را بیان می کند. در طول درگیری اوکراین و نسل کشی در غزه، دولت های غربی بسیاری از آرمان هایی را که مدت ها از آن دفاع می کردند، به نفع منافع سرد و سخت ژئوپلیتیکی رها کرد.

جنگ در الاقصی

جنگ جاری اسرائیل علیه غزه و اکنون لبنان، فقط به پیامدهای فوری عملیات مقاومت در برابر سیل الاقصی مربوط نمی شود. این بخشی از یک پروژه گسترده تر ایالات متحده برای منطقه است که یادآور معامله قرن است.

این در مقیاس تجاوز آشکار است که فراتر از غزه و سایر نقاط اشتعال گسترش می یابد. به نظر می رسد هدف نهایی، دگرگونی ریشه ای نظم ژئوپلیتیکی منطقه است - نظمی که کنترل منابع، بنادر و مسیرهای تجاری را تضمین می کند و در عین حال جمعیت ها را به انقیاد می کشد تا تسلط غرب را تضمین کند.

این جنگ چیزی فراتر از مرزها یا سرزمین هاست. این در مورد کنترل بر جغرافیای اقتصادی جهانی و نفوذ در جهانی است که در آن نظم قدیمی مورد بحث است. در این مبارزه بزرگ برای نفوذ، مردم روی زمین اغلب بهای آن را می پردازند - چه در اوکراین، چه در غزه و چه در جاهای دیگر.

فلسطینی ها که با یک تهدید وجودی مواجه بودند، سیل الاقصی را در تلاش برای تغییر مسیر تاریخ به راه انداختند. اما با طولانی شدن جنگ، مشخص شده است که این درگیری بخشی از یک بازی قدرت جهانی بسیار بزرگتر است، با پیامدهایی که بسیار فراتر از منطقه موج خواهد زد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

عسان جواد نویسنده و مفسر سیاسی لبنانی است که از سال 1996 در زمینه روزنامه نگاری چاپی، دیداری و شنیداری فعالیت می کند. او برنامه های تلویزیونی و رادیویی بسیاری ارائه کرده و مقالات سیاسی و ادبی را در روزنامه های محلی مانند السفیر، النهار، منتشر کرده است. الكفاه العربی و اللیوا.

----- **با تقدیم سلامها** «2024-10-10»

.....